

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ جون ۲۰۲۲

## سوآلی که طالب باید جواب بدهد!

پنجشنبه - ۲۶ جوزای ۱۴۰۱ - کابل: "برخی از کشاورزان در ولایت پکتیکا می‌گویند که طالبان آنان را از درو کردن گندم توسط تراکتورها منع و برای افرادی که از این دستور سرپیچی کنند، جزا نیز تعیین کرده‌اند." اطلاعات روز

"... برای تمام کشاورزان این ولسوالی گفته شده است که به‌جای ماشین‌های تراکتور، جوانان بی‌کار را برای درو کردن گندم استخدام کنند." اطلاعات روز

هموطنان گرامی!

مطالعه این سطور و خبر تکمیلی آن، دستم را گرفت و نخست حدود ۳۰ سال به عقب پرتابم نمود، آنگاهی که معلم تاریخ ما تلاش می‌نمود تا راجع به جنبش‌های کارگری قرن ۱۸ و ۱۹ و خواستهای طبقاتی آن قسمی سخن بگوید که نه نوکران روس وی را ضد خود ببینند و نه هم کسی بر وی برچسب بزند که گویا "مارکسیسم-لنینیسم" تدریس می‌نماید. این مسافرت به عقب در همان ۳۰ سال محدود نمانده، ادامه یافته من را تا اعماق قرون ۱۸ و ۱۹ در کشور انگلستان کشانده، با زندگی طبقه کارگر از قول انگلس در کتاب "وضع طبقه کارگر انگلستان" آشنا ساخت. انگلس آزمان را چنین به تصویر می‌کشد:

"هر کارگر حتی بهترین کارگر همواره در معرض خطر بی‌نانی یعنی مرگ از گرسنگی قرار دارد و بسیاری نیز قربانی آن می‌شوند. مساکن کارگران عموماً به نحو بدی گروه‌بندی شده، بد ساخته شده و در وضع بدی نگه‌داری شده‌اند. تهویه بدی دارند. مرطوب و ناسالم‌اند. ساکنین، فضای ناچیزی در اختیار دارند و در اکثر موارد دست کم یک خانواده در یک اتاق می‌خوابند. اثاثیه مساکن در رده بندی‌های مختلفی فقیرانه است که حتی از ضروری‌ترین اثاثیه نیز خبری نیست. لباس کارگران هم به طور متوسط بینوایانه و در موارد بسیاری مندرس است. غذای آنها غیر قابل خوردن و در بسیاری از موارد از لحاظ کمی دست کم گاه به گاه کافی نیست که در بدترین حالات به مرگ از گرسنگی می‌انجامد."

"در چنین وضعیت و خامت باری که نارضایتی به اوج می‌رسد، هر گروه انسانی دست به اعتراض و مقاومت خواهند زد. کارگران نیز که دیگر چیزی برای از دست دادن نداشتند و زندگی‌شان یکسره فقر و فلاکت و بدبختی بود، نارضایتی خود را به انحاء مختلف نشان می‌دادند. یکی از انواع اعتراضات کارگران، ابزار شکنی و تخریب ماشین

های تولیدی بود. کارگران که به طور طبیعی هنوز فاقد آگاهی و درک کامل از شرایط اجتماعی خود بودند، ماشین ها را دشمن خود می پنداشتند و به تخریب آنها دست می زدند."

هموطنان گرامی!

موضعگیری قومندانهای طالب در پکتیا در عین حالی که در یک زمینه تکرار تاریخ است، در زمینه دیگر کاملاً عکس آنجا می باشد.

یعنی در انگلستان امروز این طبقه کارگر یعنی طبقه ای که از طریق نیروی کارش امرار حیات می نمود و با آمدن ماشین یا کارش را از دست داده بود و یا روند بیکاری خود را در چشمرس می دید، برای شغل و برای حفظ حیات خودش، ماشین را دشمن دانسته، به ماشین شکنی روی می آورد، مگر در اینجا در افغانستان ماشین شکنی نه خواست طبقه کارگر است و نه هم حتا خواست مالک ماشین، بلکه این خواست یک باند مسلحی از دزدان منابع مادی و معنوی جامعه و کشور است که فکر می کند با شکستادن ماشین قادر خواهد شد بیکاری را از بین ببرد.

قبل از این که بحث را ادامه دهم فکر می کنم بیجا نخواهد بود داستان واقعی یک از دوستان را که یک تن از استادانم با آب و تاب قصه می کرد، برایتان بنویسم: راوی می گفت:

"در یکی از روز ها در المان به موازات رشد بیکاری در آن جامعه، بین چند تن از هموطنان حراف ما کار افغانستان را تمام کرده بودند و راجع به اوضاع المان و جهان تبادل نظر می کردند، بحث داغی در جریان بود. در همان زمان یک هموطن مکتب رفته ما در افغانستان که تازه به اروپا آمده بود و دلش می خواست آنچه را به نام سیاست در افغانستان خوانده یا شنیده بود، در المان هم ادامه دهد، به بحث بسیار مؤدبانه داخل شده و بعد از اخذ اجازه گفت: «المانها کارشان را خودشان سخت کرده اند، مثلاً برای ایجاد شغل جدید و جذب صدها هزار نفر، آنها می توانند اینهمه "چراغ ترافیکی" را که در همه جای وجود دارد برداشته، به جای آن یک ترافیک با یک شپلاق ایستاده نمایند، هم کار خلق می کنند و هم از مصرف اضافی برق جلوگیری می نمایند»

بقیه داستان و این که بحث به کجا ها کشید را می گذاریم برای زمان دیگری، فقط اینقدر را به یاد داشته باشید که در جمع افغانهای حراف دوسه تن تحصیلات فوق دانشگاهی در رشته اقتصاد داشتند.

هموطنان گرامی!

هرگاه خواسته باشیم از هر دو بحث نتیجه بگیریم و آن را با حداقل ۲۰۰ سال قبل مقایسه نمایم، گفته می توانیم:

\*- سطح آگاهی و درک طالب ما با نظری که ارائه داده و می خواهد برای رفع بیکاری ماشین را به خاک بسپارد، نشان از آن دارد که جناب شان تا هنوز از لحاظ فکری در همان سطح شعور و درک طبقاتی قرون ۱۸ و ۱۹ زندگانی دارند، یعنی با بسیار لطف، ۳ قرن عقب ماندگی تاریخی دارند، شاید بهتر باشد گفته شود "دیر تولد شده است"؛

\*- طالب و اودورزاده تاریخی آن، هر دو نفر با چیزی به نام "بیکاری پوشیده" اصلاً آشنائی نداشتند و ندارند، در غیر آن این را می دانستند که وقتی شش نفر کار یک نفر را انجام دهد، معنایش این است که از جمع، ۵ نفر وقت خود را بیهوده ضایع نموده است. و این همان "بیکاری پوشیده" است؛

\*- تمام این طیفها نمی دانند که ماشین و ابزار نه تنها دشمن انسان و دشمن طبقه کارگر، دهقان و بقیه زحمتکشان نیست، بلکه بهترین دوست و یاور و افزاینده حاصل کار آنها می باشد، آنچه در اینجا دشمن است مناسبات تولیدی و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است که هم به بیکاری هزاران و میلیونها کارگر و دهقان می انجامد و هم با استثمار ظالمانه و بیرحمانه نیروی کار، بازده کار را نیز کاهش می دهد.

هموطنان گرامی!

سوالی که در آغاز نوشتن طالب باید جواب بدهد، این است:

آیا به چنین چاره جوئی خلاقی!! بر مبنای درگ و آگاهی خودش رسیده است و یا اساساً از جانب بادرانش دستور دارد تا به آنچه تا کنون در افغانستان انجام داده و می دهند، اکتفاء ننموده مردم را به زور تفنگ و ادار سازند تا همان چند پایه ماشین و آشنائی کمی را هم که با ماشین آلات و زندگی عصری دارند، فراموش نموده به مثابه تحفه اسلام سیاسی یوغ و اسپار طالب را بر گردن خویش بیاویزند؟

کس چه می داند شاید هم هر دوی آنها. یعنی از یک جانب عقب ماندگی فرهنگی و معرفتی و از جانی دیگر دستور ارباب و منافع طبقاتی در عقب اجرای آن دستور، طالب را واداشته است تا در قرن ۲۱ ماشین شکنی را پیشه کند و یا از همه مهمتر نکند کدام حدیثی در زمینه از پیامبر اسلام پدر پشکها "ابوهریره" نقل کرده و کسی خبر ندارد؟؟؟  
هموطنان گرامی!

ماشین هیچ گاهی دشمن انسان نبوده بلکه برای آن است تا بازوانش جهت اجرای کار توانمند بسازد، آنچه دشمن انسان به خصوص زحمتکشان و ستمکشان کشور می باشد مناسبات اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید با کار مزدی است.

هموطنان گرامی!

این حکم قومندان طالب به ما نشان می دهد که نه تنها جامعه ما در کدام سطحی از دانش قرار دارد بلکه تا چه حدودی ما هم از اجرای وظایف اصلی ما که بردن بینش و آگاهی طبقاتی بین کارگران، دهقانان و بقیه زحمتکشان جامعه است، عقب مانده ایم. بیائید زمان را از دست ندهیم در کنار هر مطلبی که می نویسیم، تلاش بورزیم تا در خدمت ارتقای آگاهی طبقاتی کارگران، دهقانان و بقیه زحمتکشان قرار بگیریم. این را بدانیم که انجام موفقانه این وظیفه، ما را در شب فردای پیروزی بر امپریالیسم و ارتجاع قرار می دهد.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**